

Do's and Don'ts of Thermidor in the Political Regime in Islamic Republic of Iran Comparing to Parliament Regime

Rashid Rakabian

*Assistant professor, Faculty of Law and political science, Ayatollah Boroujerdy University,
Boroujerd, Iran. a.recabian@gmail.com*

Received: 14 February 2019; **Revised:** 19 February 2019; **Accepted:** 13 March 2018

Abstract

The purpose of present research is to investigate do's and don'ts in the Thermidor of the Islamic Republic of Iran comparing to parliament governance. Using a descriptive- analytic research method, the study aims to survey the disadvantages and advantages of parliament governance and dynasty. The results show that thermidor towards parliament dynasty is essential since the tension between the authoritative power and the supreme leader increasingly develops in the last two decades but considering to the parliament dynasty advantages, this kind of tension will end. Moreover, the republic nature will be preserved and also the power and election result will be skewed to the path that promotes the legitimacy and efficiency of the Islamic regime and develop a moral culture in the society. On the other hand, it leads to an increase in the alliance among revolutionary forces and a decrease in the cost of voting and political misbehavior. On this base, a parliament dynasty is considered desirable.

Keywords: Parliament dynasty, Monarchy, Political dynasty, Iran.

بایدها و نبایدهای ترمیدور نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به نظام پارلمانی

رشد رکابیان

استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران. ra.recabian@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۷/۱۱/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی بایدها و نبایدهای ترمیدور نظام جمهوری اسلامی ایران به نظام پارلمانی است. این پژوهش با بررسی معایب و محاسن نظام‌های پارلمانی و ریاستی با روش توصیفی - تحلیلی نشان داد ترمیدور به سمت نظام پارلمانی یک ضرورت است. زیرا در مواردی تنش میان رئیس مقام اجرایی و مقام معظم رهبری در این دو دهه بسیار زیاد بوده است، اما با توجه به محاسن نظام پارلمانی این تنش از بین می‌رود. همچنین، جمهوریت حفظ می‌شود، قدرت متمرکز نمی‌شود و نتیجه انتخابات را به سمتی سوق می‌دهد که به تقویت مشروعیت و کارآمدی نظام اسلامی و گسترش فرهنگ اخلاقی در جامعه یاری رساند. از طرف دیگر، اتحاد نیروهای انقلاب بیشتر می‌شود، و هزینه‌های انتخابات و بداخلاقی سیاسی کمتر خواهد بود. بر این اساس نظام پارلمانی می‌تواند مطلوب باشد.

واژگان کلیدی: ایران، نظام پارلمانی، نظام ریاستی، نظام سیاسی.

مقدمه

در ایران اندیشه تفکیک قوا ابتدا، توسط شخصیت‌های مختلف مطرح شد و در تدوین اولیه قانون اساسی و متمم آن در سال ۱۲۸۶ هـ. ش، اصل تفکیک قوا و استقلال آن‌ها از یکدیگر پذیرفته شد (اصول ۲۶ و ۲۷ و متمم قانون اساسی). با استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، قانون اساسی مشروطه لغو، و قانون اساسی جدید که در سال ۱۳۵۸ در ۱۲ فصل تدوین و تصویب شد و تفکیک قوا در اصل پنجاه و هفت تصویب شد. بر این اساس، اولین قانون اساسی ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ دقیقاً از الگوی فرانسوی پیروی کرد و یک نظام تفکیک قوای سه‌قوه‌ای به وجود آمد (هاشمی، ۱۳۸۷، صص ۶۰-۵۹). البته در قانون اساسی سال ۶۸ در مقایسه با قانون اساسی سال ۵۸، تفاوت بنیادینی از حیث ریاستی یا پارلمانی بودن نظام سیاسی ایجاد نشده است. اما به نظر، این نوع نظام سیاسی هم مورد مناقشه صاحب‌نظران قرار بگیرد؛ به طوری که بعضی نخبگان معایب آن را بیشتر از نظام دهه ۶۰ می‌دانند، حتی شرایط دوران ریاست جمهوری دولت نهم و دهم باعث شد رهبر معظم انقلاب در سفرشان به کرمانشاه، باز این موضوع را مطرح کردند، و فرمودند: «اگر در آینده دور احساس شود که نظام پارلمانی برای انتخاب مسئولان قوه مجریه بهتر است، هیچ اشکالی در تغییر سازوکار فعلی وجود ندارد» (بیانات رهبری در اجتماع مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴) برخی مخالفت‌ها از سوی قوه مجریه، با قوه مقننه، باعث شد عده‌ای از نخبگان صحبت از نظام پارلمانی و تغییر سیستم فعلی کنند؛ بنابراین، برخی از بررسی شرایط برای بازگشت به نظام پارلمانی در ایران صحبت کردند، و البته عده‌ای هم مخالفت کردند. بنابراین، در تحقیق حاضر به امکان و چگونگی تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران برای انتخاب مسئولان می‌پردازد و به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود. آیا چرخش به نظام پارلمانی برای نظام جمهوری اسلامی مناسب است؟ و کدام نظام پارلمانی مناسب است؟ دلایل مخالفان و موافقان نظام پارلمانی برای جمهوری اسلامی کدامند؟

مبانی نظری

مفاهیم مورد استفاده در پژوهش حاضر به شرح زیر بیان و تشریح می‌شود.

نظام ریاستی

نظام ریاستی^۱ نظامی حکومتی است که نتیجه تفکیک کامل قواست. در رژیم‌های ریاستی، قوه مجریه در استقلال از پارلمان (قوه مقننه) فعالیت می‌کند (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۶، ص ۹۴). در این سیستم رئیس‌جمهور که ریاست قوه مجریه و ریاست کشور را بر عهده دارد، برای مدت محدودی با رأی مردم انتخاب می‌شود. انتخاب رئیس‌جمهور با رأی مردم به او اعتبار فوق‌العاده و قدرت شایان توجهی می‌بخشد و آزادی عمل و اختیار بیشتر او در انتخاب وزیران و همکاران و سیاست‌های کشور را موجب می‌شود (غمامی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). از آن‌جا که تعیین وزیران در این نظام بر عهده رئیس‌جمهور است و پارلمان در آن دخالتی ندارد، وزیران در برابر پارلمان مسئولیت سیاسی ندارند و نمایندگان نمی‌توانند آن‌ها را استیضاح کنند یا با رأی عدم اعتماد برکنار کنند. در مقابل رئیس‌جمهور نیز حق پیشنهاد لایحه را ندارد (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱).

نظام پارلمانی

نظام پارلمانی^۲ نوعی حکمرانی مردم‌سالارانه است که در آن قوه مجریه مشروعیت مردم‌سالارانه خود را از قوه مقننه اقتباس می‌کند و در برابر آن پاسخگو است (ابوالحمد، ۱۳۸۶، ص ۲۰۶). نظام پارلمانی نوعی نظام حکومتی است که از تفکیک نسبی قوا ایجاد می‌شود. در رژیم‌های پارلمانی قوه مجریه و قوه مقننه از ابزارهایی برای تأثیرگذاری و نفوذ بر یکدیگر برخوردارند (روریش، ۱۳۷۲، ص ۲۲۷). همچنین، رئیس‌جمهور و رئیس قوه مجریه دو شخص متفاوت‌اند. رئیس‌جمهور که ممکن است رئیس‌جمهور در نظام‌های جمهوری پارلمانی مثل ایرلند، آلمان، یا پادشاه در نظام‌های مشروطه سلطنتی، مثل انگلیس و ژاپن باشد، نقشی مهم ندارد و از مسئولیت مبرا است (عالم، ۱۳۸۰، صص ۳۲۹-۳۲۸). رئیس قوه مجریه که معمولاً نخست‌وزیر نامیده می‌شود به پیشنهاد رئیس‌جمهور و انتخاب پارلمان مشخص می‌شود. اعضای هیئت وزیران در این سیستم حق پیشنهاد

1. Presidential system

2. Parliamentary system

قانون به مجلس و شرکت در مذاکرات و مباحثات مجلس نمایندگان یا انحلال پارلمان را دارند و از سوی دیگر، پارلمان نیز حق سؤال، استیضاح و دادن رأی عدم اعتماد به آنان را دارد. در تعداد کمی از جمهوری‌های پارلمانی مانند آفریقای جنوبی و آلمان، حکمران همزمان رئیس حکومت نیز است، ولی توسط قوه مقننه انتخاب می‌شود و به آن پاسخگو است (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۶، صص ۲۱۹-۲۱۸). بر این اساس، در نظام‌های پارلمانی به نوعی بین ریاست کشور و ریاست هیئت دولت تفاوت وجود دارد. در واقع، در این کشورها رئیس کشور نقشی نمادین و تشریفاتی و حل‌کننده برخی تعارض‌های قوا را دارد و رئیس هیئت دولت یا نخست‌وزیر مسئولیت اجرایی را بر عهده دارد (عالم، ۱۳۸۰، ص ۳۳۱).

نظام نیمه‌ریاستی

نوعی نظام حکومتی است که ویژگی‌های نظام ریاستی و نظام پارلمانی در آن تلفیق شده‌اند. در این مدل حکومتی مثل نظام‌های ریاستی، ریاست کشور (ریاست دولت) بر عهده رئیس‌جمهوری است که در انتخابات عمومی به قدرت می‌رسد و مظهر حاکمیت ملی محسوب می‌شود و از مسئولیت سیاسی در برابر پارلمان مبرا است، اما بر خلاف نظام‌های ریاستی و به شیوه نظام‌های پارلمانی هیئت وزیران با دریافت رأی اعتماد از نمایندگان مجلس رسمیت می‌یابد و در جریان فعالیت‌های خود در برابر پارلمان مسئولیت سیاسی دارند و پارلمان قادر است با رأی عدم اعتماد، هیئت دولت را از قدرت ساقط کند (بوشهری، ۱۳۷۶، ص ۱۵۶). در نظام‌های نیمه‌ریاستی مثل نظام‌های پارلمانی، ریاست دولت از ریاست حکومت تفکیک شده است. رئیس‌جمهور، رئیس کشور محسوب می‌شود و ریاست حکومت بر عهده نخست‌وزیر است. اما برخلاف نظام‌های پارلمانی رئیس کشور صرفاً یک مقام تشریفاتی نیست و از اختیارات فراوانی برخوردار است (شعبانی، ۱۳۷۹، ص ۵). موریس دوورژه (۱۹۷۸) نخستین فردی بود که اصطلاح *نظام نیمه‌ریاستی*^۱ را در توصیف جمهوری پنجم فرانسه به‌کار برد (دورژه، ۱۳۸۶، ص ۱۵۴).

ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران

اکنون با توجه به توضیحات یادشده، این پرسش مطرح است که نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران مانند کدام یک موارد یادشده است. نظام جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی دو نوع سیستم سیاسی را البته با کمی تغییر، تجربه کرد. ویراست اولیه قانون اساسی در سال ۱۳۵۸، نظام سیاسی ایران نمونه به نسبت کامل و دقیقی از نظام پارلمانی بود (ذاکری، ۱۳۹۳، ص ۵). رئیس جمهور اگرچه با رأی مستقیم مردم انتخاب می شد و مظهر جمهوریت نظام به شمار می رفت، موظف بود نخست وزیر را به مجلس معرفی کند و پس از کسب رأی اعتماد نخست وزیر، رد عمل، چینش کابینه و تمشیت امور اجرای کشور بر عهده نخست وزیر قرار می گرفت. در دوره ۱۰ ساله اداره کشور با این شیوه، موارد متعددی از اختلاف نظر و اختلاف سلیقه بین رئیس جمهور و نخست وزیر گزارش شده است که در بیشتر موارد با دخالت حضرت امام خمینی (ره) و دیگر شخصیت های برجسته کشور یا حتی تشکیل هیئتی برای حل اختلاف این دو منجر می شد. شاید همین اختلافات و تقسیم نامشخص و نامتوازن قدرت بین رئیس جمهور و نخست وزیر، انگیزه اصلی اصلاح قانون اساسی و بازنگری در ساختار سیاسی کشور شد؛ به نحوی که این نظام پس از بازنگری در سال ۱۳۶۸، به صورت ترکیبی ویژه و منحصر به فرد از نظام های پارلمانی و ریاستی درآمد (هاشمی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۳۴). در این حالت، اگرچه رئیس جمهور به طور مستقیم، از سوی مردم انتخاب می شود، و از این جهت شبیه به نظام های ریاستی است، ولی وزرا باید از پارلمان که نمایان کننده اراده مردم و قدرت عمومی است، رأی اعتماد کسب کنند و از این حیث به نظام پارلمانی شباهت دارد.

از سوی دیگر، بر خلاف نظام های ریاستی که در آن ها وزرا به عنوان مشاوران رئیس جمهور است و فقط در برابر وی مسئولیت دارند، در ایران وزرا در برابر مجلس شورای اسلامی نیز مسئول اند و مجلس از طریق تذکر، سؤال و استیضاح بر عملکردشان نظارت دارد. از سوی دیگر، رئیس جمهور حق انحلال مجلس را ندارد (مشابه نظام های ریاستی) و رئیس جمهور نیز از دل پارلمان بیرون نمی آید (مشابه نظام های پارلمانی) (شعبانی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۴؛ نجفی اسفاد و محسنی،

۱۳۷۹، ص ۱۷۸). برخی دیگر از پژوهشگران نیز با تحلیل‌هایی متفاوت، نظام سیاسی ایران را متمایل به پارلمانی ارزیابی کرده‌اند (دانشفرد و قزلباش، ۱۳۸۹، ص ۹۴).

با توجه به معایب و محاسنی که دو نظام پارلمانی و ریاستی دارند، بررسی اینکه کدام یک برای نظام جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مفیدتر و کم‌هزینه‌تر باشد، دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه موافقان نظام پارلمانی برای نظام جمهوری اسلامی ایران؛ و دیدگاه مخالفان نظام پارلمانی. در ذیل دلایل موافقان و مخالفان توضیح داده می‌شود، و در پایان، نظر مطلوب بررسی می‌شود.

دلایل موافقان نظام پارلمانی

موافقان تغییر نظام موجود در جمهوری اسلامی ایران به نظام پارلمانی برای دیدگاه خود استدلال‌هایی را بیان می‌کنند که عبارت‌ند از:

۱. پیروی از فرمایش مقام معظم رهبری: مقام معظم رهبری که ۲۴ مهر ۱۳۹۰ به استان کرمانشاه سفر کرده بودند، در پنجمین روز سفر خود در دیدار با دانشجویان در دانشگاه رازی کرمانشاه در بخشی از سخنانشان بر تغییر نظام موجود فرمودند:

«امروز نظام ما نظام ریاستی است؛ یعنی مردم با رأی مستقیم خودشان رئیس جمهور را انتخاب می‌کنند؛ تا الان هم شیوه بسیار خوب و تجربه‌شده‌ای است. اگر یک روزی در آینده‌های دور یا نزدیک - که احتمالاً در آینده‌های نزدیک، چنین چیزی پیش نمی‌آید - احساس بشود که به جای نظام ریاستی مثلاً نظام پارلمانی مطلوب است - مثل اینکه در بعضی از کشورهای دنیا معمول است - هیچ اشکالی ندارد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان در کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

بر این اساس، در تیر ماه ۹۲، نماینده مردم مشکین‌شهر در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران از احیای «پست نخست‌وزیری» خبر داد، خبری که با واکنش‌های مختلف رسانه‌های داخلی و خارجی همراه بود. یونس اسدی عضو فراکسیون رهروان ولایت در مصاحبه یادشده تصریح کرده بود: این طرح در پی بیانات رهبر معظم انقلاب در سفر به کرمانشاه که به نظام پارلمانی اشاره کرده

بودند، مطرح شده است (سایت باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴/۰۲/۱۲). همچنین، وردی دهقانی نماینده مردم ورزقان روز چهارشنبه - ۹ اریبهشت ماه ۹۴ - در نطق میان دستور خود به ضرورت احیا «نظام پارلمانی» اشاره کرد (سایت باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴/۰۲/۱۲).

۲. کاهش اختلاف بین دولت و مجلس: یکی از محاسن نظام پارلمانی کاهش میزان ستیز بین قوای مجریه و مقننه است؛ البته اختلاف بین قوه مقننه و قوه مجریه در همه کشورها امری تا حدی عادی است، اما شدت آن و بی‌توجهی به قوانین باعث تضعیف هردو، و ضربه به منافع ملی می‌شود؛ وقتی مجلس و دولت از دو طیف فکری باشند، این مسأله بیشتر نمود پیدا می‌کند. در چند سال اخیر اختلافات بسیار زیادی بین دو قوه وجود داشت، و کار روند امور کشور را با چالش مواجه می‌کرد. موافقان نظام پارلمانی معتقدند با ایجاد نظام پارلمانی این مشکل برطرف می‌شود. دهقان عضو هیئت رئیسه مجلس معتقد است، در نظام فعلی معمولاً دولت‌ها با مجالس اختلاف داشته و بعضاً به دلیل همین اختلاف، کارهای مهم روی زمین می‌ماند. وی تصریح می‌کند: بعضاً مجالس، قوانینی را تصویب می‌کنند که دولت با آن موافق نیست و از اجرای آن طفره می‌رود، یا دولت‌ها، لایحه‌ای را که به مجلس می‌دهند، مجالس آن را تصویب نمی‌کنند؛ که هر دو مورد باعث آسیب‌رسیدن به منافع ملت می‌شود (سایت باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴/۰۲/۱۲).

دهقان می‌گوید: اگر «نظام پارلمانی» عملی شود، مجلس، اعضای کابینه دولت و رئیس دولت را معرفی خواهد کرد، به عبارتی، قوه مقننه کارهای اجرایی کشور را نیز انجام خواهد داد، حتی ممکن است اعضای کابینه دولت از نمایندگان مجلس باشند (سایت باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴/۰۲/۱۲).

از جمله موافقان تغییر نظام از حالت فعلی به حالت پارلمانی، علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی است. او اگرچه می‌گوید وضع فعلی نظام، خوبی‌های زیادی دارد، اما معتقد است استقرار نظام پارلمانی موجب هماهنگ‌تر شدن قوا و نظم ساختار سیاسی می‌شود (روزنامه جام جم، ۱۳۹۰/۰۸/۰۸). عماد افروغ، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی هم از موافقان تبدیل وضعیت فعلی به سیستم پارلمانی است. اما آنچه از صحبت‌های او برمی‌آید این است که موافقت

او با تغییر وضعیت نه به خاطر مزایای سیستم پارلمانی، بلکه بیشتر به خاطر انتقاد از وضعیت فعلی است (سایت تبیان، ۱۳۹۰/۰۸/۱۱).

۳. **عدم منافات جمهوریت با نظام پارلمانی:** یکی از محاسن نظام پارلمانی نهادینه شدن فرهنگ دموکراسی و پایداری دموکراسی است (عالم، ۱۳۸۰، ص ۳۰۲؛ طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵). قانون اساسی، جمهوری بودن نظام را، متکی بر پایه ذیل قرار داده است: نظام جمهوری متکی بر مشارکت همه‌جانبه و گسترده مردم در امور عمومی از طریق انتخابات و همه‌پرسی است. زمامداری و اداره امور کشور به اتکای آرای عمومی است (اصل ۶)، تعیین رهبر توسط خبرگان منتخب مردم (اصل ۱۰۷)، انتخابات ریاست جمهوری، (اصل ۱۱۴) مجلس شورای اسلامی (اصل ۶۲) و شوراهای محلی (اصل ۱۰۰)، به طور مستقیم با مردم است. بر این اساس، موافقان نظام پارلمانی با استناد به قانون اساسی و اندیشه سیاسی امام (ره) و مقام معظم رهبری نظام پارلمانی را مخل جمهوریت نظام پارلمانی نمی‌دانند (مهرنامه، شماره ۱۷، آذر ۹۰).

۴. **وحدت بین نیروهای انقلاب:** حضرت آیت‌الله سبحانی در نوشته کوتاهی، ضمن تمجید نظام پارلمانی، علت تأیید آن را تمجید از «وحدت کلمه» و «متمرکز شدن نیروها» می‌داند و اعتراف می‌کند که در خبرگان نخست با انتخاب مستقیم رئیس جمهور موافق بوده، و به آن رأی مثبت داده‌اند، اما با توجه به «پیامدهای ناگوار این گزینش در شرایط کنونی» معتقدند انتخاب مستقیم «مایه گسترش خصومت، به جای رقابت» می‌شود، و این حالت «زیر بنای نظام اسلامی را که همان وحدت مردم است، تهدید می‌کند»^۱.

دلایل مخالفان نظام پارلمانی

مخالفان نظام پارلمانی معتقدند نظام فعلی به دلایل زیر مطلوب‌تر از نظام پارلمانی است.

۱. **تضعیف جمهوریت نظام:** در این زمینه، مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت

۱. برگرفته از سایت tkhabnak.ir، ۲۴ دی‌ماه ۱۳۹۰.

مجمع تشخیص مصلحت نظام که اقبالی نسبت به پارلمانی شدن ساختار سیاسی کشور نشان نداده است با اشاره به اینکه طبق قانون اساسی، جمهوریت و اسلامیت دو رکن غیر قابل تغییر نظام جمهوری اسلامی هستند، می‌گوید: «البته رهبری این موضوع را به آینده دور که ممکن است قابل بررسی باشد، محول کردند، چون تحقق محتمل این کار مستلزم تغییر در قانون اساسی آن هم با سازوکار خود و تغییر در جمهوریت نظام است، در غیر این صورت تضعیف بخش جمهوریت نظام خلاف قانون اساسی است و در آن، قدرت انتخاب مردم محدود و محصور می‌شود که به طور قطعی، این مهم مد نظر رهبری نبوده است» (سایت آفتاب نیوز، ۱۲ فروردین ۱۳۹۱).

مخالفان نظام پارلمانی در ایران معتقدند در صورت حذف پست ریاست جمهوری و احیای نخست‌وزیری، عملاً نظام از شکل جمهوری به معنای کلاسیک خارج می‌شود و می‌گویند طبق تعریف‌های معمول علم سیاست جمهوری‌ها، نظام‌هایی‌اند که به ریاست رئیس جمهور و نه شاه/ملکه (با حق سلطنت وراثتی) اداره می‌شوند.^۱ همچنین، علی مطهری، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی از کسانی است که اعتقادی به نظام پارلمانی ندارد، که او هم پذیرفتن نظام پارلمانی را خلل در جمهوریت نظام می‌داند. در حالی که در نظام پارلمانی نقش مردم کمتر می‌شود (سایت تابناک، ۱۳۹۶/۳/۳).

۲. نبود احزاب در ایران: مخالفان نظام پارلمانی در ایران معتقدند در نظام‌های پارلمانی، تکیه بسیار بیشتری بر احزاب می‌شود. احزاب در این نظام‌ها با رقابت جدی در سطح محلی و ملی برای کرسی‌های پارلمان تلاش می‌کنند و رهبر حزب یا ائتلاف پیروز به عنوان نخست‌وزیر معرفی می‌شود. در واقع، مردم پیش از انتخابات، رهبر احزاب و برنامه‌های احتمالی آن‌ها را می‌دانند و بر این مبنا رأی می‌دهند. بنابراین، در ایران رقابت حزبی وجود ندارد و می‌گویند در فرهنگ امروز سیاسی ایران فرهنگ حزب ستیزی وجود دارد. بنابراین، این پرسش مطرح است که مبنای رقابت در چنین مجلسی چه خواهد بود؟ به نظر می‌رسد به منظور پویایی نظام، صرفاً نمی‌توان به نوسازی

۱. برگرفته از <http://www.khabaronline.ir/detail>

ساختار سیاسی نظام پرداخت، بلکه نوسازی فرایندها و نهادهای سیاسی و ارتقای فرهنگ سیاسی نیز باید در دستور کار باشد.^۱

نظام مطلوب برای جمهوری اسلام

تحولات ساختاری در قانون اساسی مربوط به شرایط و فرایندی است که زمینه‌های تاریخی برای عبور از دوران اجتماعی و ساختاری وجود داشته باشند. به عبارت دیگر، هرگونه تغییر در شکل‌بندی‌های قدرت و نظام سیاسی را می‌توان مربوط به دوره‌هایی دانست که زمینه برای جابه‌جایی نخبگان و کارگزاران سیاسی به وجود می‌آید. هرگونه تحول در محیط اجتماعی را باید زمینه‌ساز تغییر و دگرگونی در شکل‌بندی قدرت و ساختار سیاسی دانست. تغییر در قانون اساسی انعکاس تجربه کارگزاران اجرایی جمهوری اسلامی ایران در دهه اول انقلاب است. بر این اساس تغییر در قانون اساسی در دهه چهارم انقلاب یا دهه پنجم انقلاب همچنین، انعکاس تجربه کارگزاران اجرایی جمهوری اسلامی است. بعد از بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸ به نظر، یک احساس نیاز به بازنگری قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری ایجاد شده است. از یک طرف شکل‌بندی جدیدی از رقابت‌های سیاسی و منازعه سیاسی آشکار شد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۲، ص ۳۶۱)، و از طرف دیگر، بحران‌های سیاسی که در زمان انتخابات ریاست جمهوری دولت‌های گذشته به وجود آمد (حوادث کوی دانشگاه، فتنه بعد از انتخابات ۸۸، بی‌توجهی به اخلاق سیاسی در مناظره‌های انتخاباتی و...). بر اساس چنین مسائلی، این انگاره در ذهن معظم‌له مبنی بر تغییر نظام سیاسی شکل گرفت. بنابراین، برخلاف، محاسناتی که نوع نظام فعلی دارد، اما به دلایل ذیل تغییر نظام فعلی به نظام پارلمانی به سبک نظام پارلمانی بریتانیا بدون داشتن ریاست جمهوری، یا مانند نظام پارلمانی ایتالیا که ریاست جمهوری را مجلس انتخاب می‌کند، می‌تواند مفیدتر برای جامعه ایران باشد.

۱. برگرفته از <http://www.niazpardaz.com>

۱. کاهش میزان ستیز بین قوای مجریه و مقننه: یکی از محاسن نظام پارلمانی کاهش میزان ستیز بین قوای مجریه و مقننه است (عالم، ۱۳۸۰، ص ۲۳۴؛ طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳). علی رغم آنکه قانون اساسی حق تفسیر قانون اساسی، حق تفسیر قوانین عادی را به مجلس شورای اسلامی داده است، ولی اختلاف و گاهی تعارض در برداشت از قانون، توسط قوای مجریه و مقننه اجتناب‌ناپذیر است. برای نمونه چند مورد از اختلاف دو قوه به شرح ذیل است: ماجرای استیضاح عطالله مهاجرانی و عبدالله نوری در مجلس پنجم از تنش‌های سیاسی مجلس پنجم با دولت اول اصلاحات بود. ماجرای کوی دانشگاه نیز به افزایش اختلافات و درگیری میان قوا انجامید. درباره تعدیل وزارتخانه‌ها، از نمونه‌های دیگر اصطکاک در سطح کلان مدیریت کشور است. اما در زمان دولت دهم، با وجود مجلس همسو جدال‌های متعددی داشتند. این دولت در همان آغاز کار وارد حاشیه‌های بزرگی شد که تبعات سنگینی برای کشور داشت. معاون نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی می‌گوید: از زمان تأسیس این معاونت یک هزار و ۸۵۰ تذکر به دولت داده شده است که ۴۸۱ مورد آن مربوط به رئیس جمهوری و مابقی مربوط به وزرا بوده است (پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، ۱۳ اسفند ۹۱). در طول دو دهه گذشته، شاهد فرارهای قانونی زیادی توسط رؤسای جمهور بوده‌ایم. اما در صورتی که نظام پارلمانی باشد، شاهد کاهش تنش‌ها و ستیز بین دو قوه خواهیم بود.

۲. بداخلاقی سیاسی: یکی از محاسن نظام پارلمانی این است که برای کشورهایی که همیشه از هژمونی قدرت سیاسی متمرکز استبدادگرانه حکومت رنج می‌برند، از محبوبیت زیاد و موفقیت بسیار بالایی برخوردار است (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۶، صص ۱۴۹-۱۴۶). زیرا جلوگیری از استبداد قوه مجریه از طریق ارتباط عمیق بین قوای مقننه و مجریه می‌کند (آستین، ۱۳۷۴، ص ۱۴۵؛ قوام، ۱۳۸۰). بر این اساس، استبدادگری انسان را به بداخلاقی می‌کشاند. در نظام ریاستی نه تنها در ایران بلکه در همه نظام‌های ریاستی در زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری تهمت، توهین، افتراء، منازعه و... به نحو بسیار گسترده‌ای توسط کاندیداهای شرکت‌کننده و طرفداران آنها در رسانه‌های خبری درج و پخش می‌شود. در نظام جمهوری اسلامی ایران این بداخلاقی‌های

سیاسی، یا به عبارتی، «بی‌تقوایی سیاسی» نباید وجود داشته باشد؛ جمهوری اسلامی، نظامی مردم‌سالار و با محتوای اسلامی است که طبق قانون اساسی، خود را ملزم به رعایت همه احکام و بایدها و نبایدهای اسلامی می‌داند و بی‌تردید باید و نبایدهای اخلاقی اسلام عزیز نیز نباید از نظر دور نگه داشته شود. بنابراین، همان‌طور که سازوکارهای لازم برای صیانت از فقه و احکام اسلامی در این نظام پیش‌بینی شده است، باید سازوکار مورد نیاز برای اجرای اخلاق الهی در جامعه اسلامی نیز مشخص شود. از جمله در روند برگزاری انتخابات نیز باید رعایت اخلاق اسلامی به عنوان شاخصه انتخابات در این نظام و نقطه افتراق مردم‌سالاری دینی با نظام‌های تابع لیبرال دموکراسی غربی پررنگ و برجسته باشد. اما انتخابات بیست سال گذشته ایران از این قاعده مستثنا نبود و بداخلاقی‌های سیاسی به خیابان‌ها هم کشیده شد. اولین و کلی‌ترین آسیب بداخلاقی‌های انتخاباتی به مردم می‌رسد، بنابراین، گاهی انتخاب اصلح در سایه این آلودگی‌ها خدشه‌دار شده و قدرت تفکر و تعقل از مردم گرفته شده و به انتخاب اشتباه منجر می‌شود.

۳. نداشتن مغایرت جمهوریت با نظام پارلمانی: مخالفان نظام پارلمانی معتقدند حذف «پست ریاست جمهوری» باعث تضعیف «جمهوریت» نظام می‌شود؛ نگارنده با ادله‌ای که بیان می‌شود، معتقد است نظام پارلمانی خللی در جمهوریت نظام ایجاد نمی‌کند. یکی از محاسن نظام پارلمانی نهادینه‌شدن فرهنگ دموکراسی و پایداری دموکراسی است، و جلوگیری از استبداد قوه مجریه از طریق ارتباط عمیق بین قوای مقننه و مجریه است (آستین، ۱۳۷۴، ص ۱۴۵؛ قوام، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵). باید گفت فلسفه جمهوریت جمهوری اسلامی تنها متکی به انتخابات ریاست جمهوری نمی‌شود، که گفته شود با حذف ریاست جمهوری، جمهوریت تضعیف می‌شود. تکیه امام خمینی بر وجود مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نهاد قانونگذار، وجود نهاد ریاست جمهوری و دیگر ترتیبات و نهادهای سازمان مدنی و در یک کلام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان‌دهنده پذیرش اصل جمهوریت در فلسفه سیاسی جمهوری اسلامی است (فیرحی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۳). یعنی جمهوری اسلامی از منظر ایشان با مدیریت و تصمیم‌ها و مشارکت انسان‌ها شکل می‌گیرد، ولی رعایت احکام اسلام برای یک حکومت اسلامی لازم است. بنابراین، می‌فرماید: «دولت اسلامی که

ما می‌خواهیم یک جمهوری است که با آرای ملت درست ...». امام می‌گویند: «ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آرای عمومی، شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما توسط خود مردم تعیین خواهد شد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۶). عبارت یادشده، حاوی دو نکته اساسی است، نخست این احتمال که حضرت امام (ره) دولت جمهوری اسلامی را نه به دلیل اهمیت ذاتی «جمهوریت»، بلکه صرفاً به این لحاظ «ترجیح» می‌دهد که مطابق با «شرایط و مقتضیات جامعه» و جهان است؛ دوم، تقویت این احتمال است که نظام «جمهوری اسلامی» را، از این حیث که «متکی به آرای عمومی ملت است، مادام که چنین است تنها نظام مشروع شیعه در دوره غیبت معرفی می‌کند». هر چند با توجه به تنوع بیانات امام، رجحان مطلق هر یک از دو احتمال یادشده با مشکلات نظری عمده‌ای همراه است. اما به نظر می‌رسد تفسیر اندیشه‌ها و مواضع امام (ره) بر مبنای احتمال دوم، دشواری‌های اندکی دارد (فیرحی، ۱۳۸۰، ص ۲۵۰). امام خمینی (ره) برای «آرای ملت» اهمیت زیادی قائل است. امام در توضیح دیدگاه خود نیز اشاره می‌کند که «حکومت جمهوری مورد نظر ما از رویه پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آرای ملت می‌باشند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۷). حضرت امام (ره) در موارد متعدد دیگر هم بر رأی ملت به عنوان اساس حکومت اسلامی تأکید می‌کند و می‌گوید: «ما تابع آرای ملت هستیم، ملت هر طوری رأی داد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ج ۱۱، ص ۳۴). از عبارات یادشده اتکا جمهوریت به ریاست جمهوری تنها تفسیر نمی‌شود، بلکه با برگزاری فرماندم، بازنگری در قانون اساسی را هم شامل می‌شود. بدین‌سان امام (ره) از جمهوری اسلامی، نظامی را مراد می‌کند که مردم با شرکت در انتخابات، سرنوشت سیاسی خودشان را تعیین می‌کنند. چنین نظامی نقطه مقابل دیکتاتوری و خودکامگی است. بنابراین، در صورتی که مقام معظم رهبری دستور بازنگری در قانون اساسی را مبنی بر تغییر نظام را صادر کند و پس از بررسی اگر به تأیید ملت رسید، جمهوریت تفسیر می‌شود؛ در آن صورت، مشکلی برای نظام پارلمانی نخواهد بود. علاوه بر این، در نظام‌های پارلمانی مثل انگلیس، ایتالیا و... جمهوریت با پارلمان تفسیر می‌شود.

۴. رابطه تحزب‌گرایی با سیستم پارلمانی: مخالفان نظام پارلمانی می‌گویند چون در جمهوری اسلامی حزب وجود ندارد، و نظام پارلمانی نمی‌تواند جوابگو باشد. موریس دوورژه انتخابات را میوه همگانی شدن حق رأی می‌داند، در نتیجه، فرایند تشکیل نخستین احزاب سیاسی را به رقابتی شدن انتخابات گره می‌زند (ایوبی، ۱۳۹۰، ص ۹۴)، و در تعریف حزب آمده است: «حزب یک گروه‌مایی پایدار گروهی از مردم است که دارای عقاید مشترک و تشکیلات منظم‌اند و با پشتیبانی مردم برای به‌دست‌آوردن قدرت سیاسی از راه‌های قانونی مبارزه می‌کنند» (عالم، ۱۳۸۱، ص ۳۴۵). بر این اساس، آیا انتخابات مجلس بر اساس رقابت نبوده است؛ به یقین، بوده است؛ دوم اینکه در چهار دهه گذشته انتخابات مجالس بر اساس چه چیزی برگزار می‌شده است؛ به یقین، بر اساس حزب بوده است. رقابت بالاخره بین احزاب چپ و راست بوده است و اتفاقاً برخلاف انتخابات نمایندگی، انتخابات ریاست جمهوری در بعضی جاها رنگ پوپولیستی داشته است. شاید هم گفته شود مردم در اردوگاه اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی خیلی فرقی از نظر روش‌شناسی سیاسی باهم ندارند. اشخاص مرجع افکارشان هستند و به داشتن تحلیل‌های انقلابی کاری ندارند. بنابراین، در حالی که در نظام‌های دوحزبی، دعوا بر سر اصول نیست، بلکه تفاوت در برنامه‌های کاری است. تحزب در ایران بیشتر نقش واگرا و کمتر هم‌گرا داشته است و گروه‌های سیاسی خودی با نگاه جهانی دین اسلام، برداشت‌هایی متفاوت دارند. بنابراین، در انتخابات دوازدهم (و البته قبل از آن) شاهد پدیده‌ای به نام پوپولیسم قطبی هستیم. این واگرایی را نظام پارلمانی و دولت ائتلافی، بهتر از نظام نیمه‌ریاستی فعلی می‌تواند مهار کند. نگارنده معتقد است برای برون‌رفت از این وضعیت قطبی باید با نقشه راه «سه‌گانه سیاست در ایران» از چپ و راست سیاسی فراتر رفته و به «نهضت مستقل‌ها در ایران» که در انتخابات مجلس دهم با هدف تنظیم روابط قدرت و با پیشنازی صدها رسانه در نواحی و مناطق مختلف کشور اعلام موجودیت کرده و فراگیر شده است، رجوع شود. بنابراین، از دوگانگی در حوزه سیاست نیز خارج شده‌ایم و راهی باقی نمانده است جز اینکه به الگوی نظام چندحزبی پارلمانی خود را برسانیم. از این الگو، به‌ناچار، دولت ائتلافی پدید می‌آید. پس باید به سمت نظام پارلمانی رفت تا مشکل حزب برطرف شود. زیرا یکی از محاسن

نظام پارلمانی «آماده‌سازی زمینه برای شکل‌گیری احزاب بزرگ و فراگیراست» (ابوالحمد، ۱۳۸۶، ص ۳۴۵).

بنابراین، جمله معروف و تاریخی حضرت امام (ره) که «مجلس در رأس امور است»، اگرچه بر اهمیت عنصر نمایندگی سیاسی و رأی مردم تأکید داشت، اما از دیدگاه اجرایی حاکمیت نظام و تفکر پارلمانی را نیز نشان می‌داد (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۳۴).

۵. هزینه‌های سنگین برگزاری انتخابات ریاست جمهوری: از ابتدای انقلاب اسلامی تا کنون، ۳۶ انتخابات در جمهوری اسلامی ایران برگزار شد که این مسأله جمهوریت و مردم‌سالاری نظام را می‌رساند. یعنی حدوداً هر یک سال میانگین یک انتخابات در ایران برگزار می‌شود، که از یک نظر، بسیار زیاد، و در عین حال، زمان‌بر بودن برای کارگزاران نظام است؛ و از طرف دیگر، هزینه‌های سرسام‌آور آن‌هاست. از این تعداد، ۱۲ مورد مربوط به انتخابات ریاست جمهوری است. در بقیه انتخابات هزینه‌های تبلیغات معمولاً توسط خود اشخاص انجام می‌گیرد. اما انتخابات ریاست جمهوری در این چهار دهه انقلاب، به‌خصوص بعد از بازنگری قانون اساسی، توسط دولت پرداخت می‌شده است؛ زیرا همه کاندیداها معمولاً کسانی هستند که در بدنه دولت کار می‌کنند، به طوری که در چهار سال دوم دوره هر رئیس جمهوری، دولت از دومه قبل از برگزاری انتخابات برای تبلیغ رئیس جمهور بسیج می‌شوند، و از طرف دیگر، همه دستگاه‌ها با هزینه‌های دولت طبق اختیاراتی که براساس اصل ۱۲۶ قانون اساسی که رئیس جمهور را مسئول بودجه کشور معرفی کرده است، برای او هزینه می‌کنند. هزینه‌های انتخاباتی و استفاده از اموال بیت‌المال آنقدر بی‌حد و حصر در دوران انتخابات ریاست جمهوری بود که مقام معظم رهبری در سال ۹۲ انتخابات یازدهم ریاست جمهوری در بازدید از یگان افسری از این مسأله گلایه کردند و معترض شدند. آمارها درباره هزینه انتخابات ریاست جمهوری در هر دوره «پانصد میلیارد تومان» گزارش شده است. علی‌اصغر احمدی رئیس ستاد انتخابات کشور گفت: «هزینه انتخابات اردیبهشت ۹۶ حدوداً ۴۵۰ میلیارد تومان می‌شود» (سایت فردا، ۱۸ بهمن ۱۳۹۵). به یقین، نظام پارلمانی این هزینه‌ها را نخواهد داشت. کاندیداهای نمایندگی اصولاً خودشان هزینه می‌کنند و چندان به دولت وابسته نیستند.

نتیجه‌گیری

نظام پارلمانی الزامات و اقتضائاتی دارد، که عبارت‌اند از:

۱. نقطه عزیمت نظام پارلمانی، اقتدار قوه مقننه و اعطای حاکمیت از مردم به آن است.
۲. نظام پارلمانی باعث ایجاد ثبات سیاسی در جامعه، البته با دو پیش شرط می‌شود:
 - الف) روحیه وفادارانه مردم به ساختارهای سیاسی؛
 - ب) وجود آرایش سیاسی دوقطبی.
۳. نظام پارلمانی با توجه به عادات و ظرفیت‌های فرهنگی جامعه صورت‌بندی می‌شود. از سوی دیگر، ویژگی بارز دموکراسی، «حکومت اکثریت، حفظ حقوق اقلیت» است. اگر این اصل نادیده گرفته شود، امکان دیکتاتوری اکثریت و حذف اقلیت در نظام پارلمانی با توجه به هماهنگی قوای مقننه و مجریه دور از انتظار نیست.
۴. در نظام پارلمانی، وجود یک نهادِ توازن‌کننده قوا لازم است. این نهاد برتر برای ایجاد تعادل سیاسی در جامعه باید دو ویژگی داشته باشد:
 - الف) فاقد هرگونه قدرت، اختیار و مسئولیت بوده و صرفاً به عنوان نماد وحدت ملی و متعادل‌کننده، عمل کند (رئیس کشور)؛
 - ب) برای ایجاد تعادل و ثبات در جامعه و پاسخ به مطالبات سیال مردم و جلوگیری از بی‌ثباتی ناشی از رقابت گرایش‌ها، احزاب یا چالش‌های قوای مقننه و مجریه، قدرت انحلال پارلمان با هدف برگزاری انتخابات مجدد را داشته باشد.
۵. نظام پارلمانی برای ساماندهی حاکمیت مردم و پرهیز از آفاتِ فعالیت‌های سیاسی بدون شناسنامه، ناگزیر است نظام انتخابات حزبی را بپذیرد و سازوکار آن را رعایت کند؛ زیرا قوه مجریه متشکل از نمایندگان حزب پیروز در پارلمان است. بر این اساس، در نظام مردم‌سالاری دینی انتخابات عرصه تولید قدرت و تداوم آن است. مردم در عرصه انتخابات با برگزیدن حاکمان، مردم‌سالاری را تحقق می‌بخشند و از آن رو که اسلام جوهره و چارچوب حرکت و زندگی مردم را تشکیل می‌دهد در مردم‌سالاری اسلامی مجریان و داوطلبان و ناظران انتخابات، مردم و بیش از

همه نامزدهای انتخابات باید اصول اخلاقی اسلامی را به منصفه ظهور برسانند. بنابراین، از آنچه گفته شد، ترمیدور به سمت نظام پارلمانی یک ضرورت است. زیرا در مواردی تنش بین رئیس مقام اجرایی و مقام معظم رهبری در این دو دهه بسیار زیاد بوده است، اما با توجه به محاسن نظام پارلمانی این تنش از بین می‌رود؛ همچنین، جمهوریت حفظ می‌شود، هم قدرت متمرکز نمی‌شود و نتیجه انتخابات را به سمتی سوق می‌دهد که به تقویت مشروعیت و کارآمدی نظام اسلامی و گسترش فرهنگ اخلاقی در جامعه یاری برساند. و از طرفی، اتحاد نیروهای انقلاب بیشتر می‌شود. همچنین، هزینه‌های انتخابات و بداخلاقی سیاسی کمتر است. بر این اساس، نظام پارلمانی می‌تواند مطلوب باشد.

منابع

۱. ابوالحمد، عبدالرحمن (۱۳۸۶). *مبانی علم سیاست*، چاپ دهم، تهران: توس.
۲. انصاری دزفولی، مرتضی (۱۳۹۰). نقش مجلس در دو نظام ریاستی و پارلمانی. *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ۲۵ (۲۸۵).
۳. بوشهری، جعفر (۱۳۷۶). *مسائل حقوق اساسی*، تهران: دادگستر.
۴. دانشفرد، کرم‌الله، و قزلباش، حسن (۱۳۸۹). بررسی نقش گزارش تفریح بودجه در اعمال نظارت. *حسابداری مدیریت*، ۳ (۴)، ۹۳-۱۰۳.
۵. دورژه، موریس (۱۳۸۶). *اصول علم سیاست*. ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: میزان.
۶. رنی، آستین (۱۳۷۴). *حکومت، آشنایی با سیاست*. ترجمه لیلا سازگار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۷. روریش، ویلفرید (۱۳۷۲). *سیاست به مثابه علم*. ترجمه ملک یحیی صلاحی، تهران: سمت.
۸. ساعی، احمد (۱۳۸۶). *توسعه در مکاتب متعارض*. تهران: قومس.
۹. شعبانی، قاسم (۱۳۷۹). *حقوق اساسی و ساختار حکومت ایران*. تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۰. طباطبائی متؤمنی، منوچهر (۱۳۸۶). *حقوق اساسی*. چاپ دوازدهم، تهران: میزان.
۱۱. عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۰). *بنیادهای علم سیاست*. چاپ هشتم، تهران: نشر نی.
۱۲. علوی، پرویز، و نادعلی صادقیان (۱۳۸۹). *ریشه‌های فکری اصل تفکیک قوا، اهمیت و دسته‌بندی نظام‌های سیاسی بر پایه تفکیک قوا*. *حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۲ (۲)، ۲۵۹-۲۷۳.
۱۳. عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۷). *کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. چاپ سوم، تهران: مجد.
۱۴. فیرحی، داود (۱۳۸۷). *نظام سیاسی دولت در اسلام*. تهران: سمت.
۱۵. قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۴). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۶. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰). *سیاست‌های مقایسه‌ای*. چاپ سوم، تهران: سمت.
۱۷. مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۲). *سیاست‌گذاری ساختار قدرت در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳). *صحیفه امام*. جلد‌های ۱۷-۲۱، قم: نشر عروج.
۱۹. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۶). *صحیفه نور*. جلد‌های ۱۴ و ۱۵، قم: نشر عروج.
۲۰. نجفی اسفاد، مرتضی، و محسنی، فرید (۱۳۸۶). *حقوق اساسی*. جلد یازدهم، تهران: زادفر.
۲۱. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۷). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. جلد‌های اول و دوم، چاپ هشتم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.